

بی بی: بیم، بیدار، بیمار
بیداری، بیماری، بیتا، بید
بیست، بیدارم، بیمارم
بیرون، دورین، آبی



دی دی

دیدم، دیدی، دید،

دیدیم، دیدید، دیدند،

آمدی، آمدید، آمدند،

آبادی، بادی، دادی، دادیم،

دیدار، دیر، دین،



ای ای

این، ایمان، ایست،

ایران، ایرانی

ایستادم، ایستادی

ایستاد، ایستادیم،

ایستادید، ایستادند،



بَسْتَنِي



ما دَر سِنَمَا بوديم، دِير آمَدِيم.

بِرَادَرَم ايمان، بيدار بود.

اورا ديدَم. بوسيدَم. بَسْتَنِي دَادَم.

او بَسْتَنِي دوست دارد.

بوس بوس

دادا...
بَسْتَنِي

